

## Removing the Interim Government and the Religious Nationalist Discourse in Iran after the Islamic Revelation from the Perspective of Pierre Bourdieu's Theory of Action.

**Mohammad Bahrami** *Corresponding Author*, PhD student in Political Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: mohamadbahrami1982@gmail.com

**Ghodrat Ahmadian** Associate Professor, Department of Political Science, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: gahmadian@razi.ac.ir

**Jalil Karimin** Associate Professor, Department of Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: j.karimi@razi.ac.ir

### Article Info

#### Article Type:

Research Article

#### Keywords:

Capital,  
Habitual,  
Impulse Action,  
Speech,  
The Field.

### ABSTRACT

After the victory of the Islamic revolution and with the formation of the interim government by Engineer Mehdi Bazargan, the gap, and difference between the revolutionary forces increased, which resulted in the resignation of Engineer Bazargan and going to the sideline and finally the removal of the national-religious movement and discourse from the political sphere of Iran. The space and field of politics in Iran in those years mainly based on impulsive actions and behaviors. The characteristics of this can be seen in the politics of exclusion, polarization, transformation, and internal communication action. In the current research, by placing this type of action as a basis, which is based on emotion, violence, instant decisions, and far from foresight and rationality, we are trying to answer the question of which causes or factors are the factors behind the formation of impulsive behaviors and actions and ultimately the removal of the interim government, and the liberal Nationalist discourse from the political field in Iran? In this regard, using Pierre Bourdieu's theory of action, we consider the removal of the provisional government and the liberal nationalist discourse in the field of politics and power (the most important field from Pierre Bourdieu's point of view) after the revolution as the result of the interaction and dialectical relationship between the field and the habitus of the actors.

**Cite this Article:** Bahrami, M., Ahmadian, G., & Karimi, J. (2024). Removing the Interim Government and the Religious Nationalist Discourse in Iran after the Islamic Revelation from the Perspective of Pierre Bourdieu's Theory of Action. *International Relations Researches*, 14(2), 27-56. doi: 10.22034/irr.2024.468208.2567



© Author(s)

**Publisher:** Iranian Association of International Studies

**DOI:** 10.22034/irr.2024.468208.2567



## حذف دولت موقت و گفتمان ملی‌گرای مذهبی در ایران پس از انقلاب اسلامی

### از چشم انداز نظریه‌گنش‌پی‌یر بوردیو

محمد بهرامی نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

رایانامه: mohamadbahrani1982@gmail.com

قدرت احمدیان دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

رایانامه: gahmadian@razi.ac.ir

جلیل کریمی دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

رایانامه: j.karimi@razi.ac.ir

چکیده	درباره مقاله
پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تشکیل دولت موقت از سوی مهندس مهدی بازرگان شکاف و اختلاف میان نیروهای انقلابی بالا گرفت که برآیند آن استعفای مهندس بازرگان و به حاشیه رلندن و نهایتاً حذف جریان ملی‌مذهبی و گفتمان ملی‌گرای مذهبی از سپهر سیاسی ایران بود. فضا و حوزه سیاست در ایران در این سال‌ها عمدتاً مبتنی بر گنش و رفتارهای تکانه‌ای بوده که شاخصه‌های آن را می‌توان در سیاست حذف، قطب‌بندی، دگرسازی، و گنش ارتباطی درون‌گرمی مشاهده کرد. در پژوهش حاضر با مبنا قرار دادن این نوع از گنش که مبتنی بر هیجان، خشونت، تصمیمات آنی و به‌دور از دوراندیشی و عقلانیت می‌باشد در صدد پاسخ به این سؤال هستیم که کدام علل یا عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری رفتارها و گنش‌های تکانه‌ای و نهایتاً حذف دولت موقت و گفتمان ملی‌گرای مذهبی از میدان سیاست در ایران شد؟ در این راستا با بهره‌گیری از نظریه گنش‌پی‌یر بوردیو حذف دولت موقت و گفتمان ملی‌گرای مذهبی در میدان سیاست و قدرت (مهم‌ترین میدان از منظر پی‌یر بوردیو) پس از انقلاب را حاصل تعامل و رابطه دیالکتیکی میدان و منش (عادت‌واره) گنش‌گران می‌دانیم.	<b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی
	<b>کلیدواژه‌ها:</b> سرمایه، عادت‌واره، گنش تکانه‌ای، گفتمان، میدان
	<b>تاریخچه مقاله</b> تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۸

**استناد به این مقاله:** بهرامی، محمد، احمدیان، قدرت، & کریمی، جلیل. (۱۴۰۳). حذف دولت موقت و گفتمان ملی‌گرای مذهبی در ایران

پس از انقلاب اسلامی از چشم انداز نظریه گنش پی‌یر بوردیو. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۲)، ۲۷-۵۶. doi: .

10.22034/irr.2024.468208.2567

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل



سیاست حذف و دگرسازی از مهم‌ترین کنش‌های رفتاری در فضای سیاسی ایران بوده و این رویکرد با تغییر دولت‌ها و جابجایی و جایگزینی نخبگان جدید نیز تغییری نیافته است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ شاهد تقابل دو گفتمان اصلی برآمده از انقلاب (گفتمان ملی‌گرای مذهبی و گفتمان انقلابی) هستیم که در شرایط جنبشی و به واسطه دستیابی به هدف مشترک به‌طور موقت و برای گذار از حکومت محمدرضا شاه به اجماع رسیده بودند. این در حالی است که همکاری و همراهی نیروهای مذهبی و انقلابی با نیروهای ملی - مذهبی دولت مستعجل بود و زودتر از آنچه که گمان می‌رفت اختلافات میان این دو جریان نمایان شد. فقدان اجماع میان نیروهای مذهبی و جریان ملی‌گرای مذهبی بر سر نحوه حکومت‌داری و شکل حکومت، چگونگی تعامل با جریان‌ها و احزاب سیاسی و به‌طور کلی منش و کنش متفاوت میان این دو زمینه‌های تقابل را فراهم کرد. شرایط انقلابی و دوران گذار پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز فضایی فراهم آورده بود که به رفتارهای تکانه‌ای دامن می‌زد. برآیند این تحولات طرد و حذف جریان ملی‌گرای مذهبی از سوی نیروهای مذهبی و گفتمان انقلابی و تسخیر میدان سیاست و قدرت به دست نیروهای انقلابی و جریان مذهبی بود. از این رو مهم‌ترین هدفی که پژوهش حاضر دنبال می‌کند توضیح و تبیین رفتار و کنش تکانه‌ای به‌عنوان یکی از موانع توسعه و دموکراتیزاسیون است که در قالب سیاست حذف و دگرسازی در سپهر سیاسی ایران تبلور پیدا می‌کند. در این راستا این سؤال مطرح می‌شود که علل و عوامل زمینه‌ساز حذف جریان و گفتمان ملی - مذهبی به‌عنوان یکی از گفتمان‌های اصلی انقلاب اسلامی کدامند؟ در مورد چگونگی و چرایی طرد گفتمان ملی‌گرای مذهبی در فضای سیاسی تا کنون مطالبی نگاشته شده و از جنبه‌های مختلف این امر مورد بررسی قرار گرفته است که در پیشینه پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پاسخ به سؤال فوق این فرضیه مطرح می‌شود که برآیند و تعامل میدان (زیست کنش‌گران در میدان‌های متفاوت در کنار توزیع ناعادلانه سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین در میدان سیاست) با منش (عادت‌واره) کنش‌گران منجر به شکل‌گیری کنش حذف و دگرسازی در فضای سیاسی ایران و حذف جریان ملی - مذهبی و گفتمان ملی‌گرای مذهبی در میدان و فضای سیاسی ایران گردید. روش‌شناسی پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و به لحاظ تأکید بر کنش و عادت‌واره، و در نظر گرفتن سپهر سیاسی ایران به‌عنوان میدان و وجود عادت‌واره‌های متعدد در آن، نظریه عمل پیر بوردیو مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس رویکرد به واقعیت اجتماعی، رویکردی تعاملی و رابطه‌گرایانه می‌باشد که بر اساس آن



کنش کنش‌گران حاصل تعامل و رابطه دیالکتیکی میدان و عادت‌واره «منش» می‌باشد. داده‌ها نیز با تکیه بر کتب و مقالات و به شیوه کتابخانه‌ای و اینترنتی گردآوری شده است. در نوشتار پیش رو ابتدا میدان سیاست و قدرت به‌عنوان عرصه ظهور کنش‌های تکانه‌ای و سیاست‌طرد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا مهم‌ترین محورهای تقابل ملی - مذهبی‌ها و گفتمان ملی‌گرای مذهبی با گفتمان اسلام‌گرای انقلابی در موضوع ولایت فقیه، محتوا و شکل حکومت، ملت‌گرایی و امت‌گرایی و در نهایت کنش تدریجی و حرکت انقلابی تبلور می‌یابد. در بخش بعدی علل و عوامل زمینه‌ساز حذف و طرد گفتمان ملی‌گرای مذهبی و جریان ملی - مذهبی از سپهر سیاست مورد بررسی و تشریح قرار می‌گیرد. در این چارچوب سه عامل تفاوت در میدان زیست کنش‌گران، منش و عادت‌واره‌های متضاد، و در پایان ساختار میدان سیاست به‌عنوان دلایل اصلی کنش حذف و طرد مطرح می‌شود.

#### ۱. پیشینه پژوهش

مولوی و وردنجانی در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی اندیشه سکولاریستی نهضت آزادی در مواجهه با گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه مهندس بازرگان» (۱۳۹۸)، تقابل میان نیروهای انقلابی و جریان ملی‌گرای مذهبی را با استفاده از روش تحلیل گفتمان، تقابل میان دو نگرش حداقلی و حداکثری نسبت به دین می‌داند. یافته‌های تحقیق آن‌ها حاکی از آن است که «ملی‌گرایی» با نگرش حداقلی به دین «دال مرکزی نهضت آزادی و اساس مفصل‌بندی سایر مفاهیم این اندیشه محسوب شده و این نگرش حداقلی، در حیطه سیاست منجر به سکولاریسم می‌شود. از این رو ماهیت نگرش نهضت آزادی با گفتمان انقلاب اسلامی در تضاد قرار می‌گیرد. در این تحلیل تقابل میان جریان ملی - مذهبی و نیروهای انقلابی و مذهبی به یک تقابل گفتمانی تقلیل یافته و به نقش موقعیت بازیگران در میدان سیاست و ساختار سیاسی و منش کنش‌گران آن‌چنان که باید پرداخته نمی‌شود.

فیضی و رحمانی (۱۳۹۱) در مقاله «دلایل سقوط دولت موقت مهندس بازرگان بر اساس نظریه کرین بریتون» با استفاده از چارچوب نظری بریتون به بررسی دلایل تقابل و حذف دولت موقت و مهندس بازرگان از میدان سیاست می‌پردازند. نویسندگان رویارویی دو جریان ملی‌گرای مذهبی و انقلابی را جدال دو رویکرد و منش اعتدال‌گرایانه و رادیکال می‌دانند. بر این اساس میانه‌روها در پی تغییرات اندک و آهسته آن‌هم تنها در نظام سیاسی جامعه هستند و کاری به تجدید بنای اقتصادی و اجتماعی ندارند و معمولاً در صدد هستند تا جمعیت را از حالت بسیج سیاسی خارج کنند و وضعیت عمومی را غیرسیاسی سازند. حکومت میانه‌روها از آن‌جایی که نسبتاً محافظه‌کار است و مردم را بسیج نمی‌کند و وعده تحولات



بنیادی به توده‌ها نمی‌دهند، به‌زودی از محبوبیت می‌افتد و حمایت عامه را از دست می‌دهد. از سوی دیگر نیروهای رادیکال و انقلابی با دادن وعده وعید دست به بسیج یا ادامه بسیج طبقات پایین می‌زنند و یکباره یا به تدریج میانه‌روها را از بلوک قدرت خارج می‌کنند و بی‌اعتبار جلوه می‌دهند. در این نوشتار به خوبی شرایط ساختاری و خصوصیات دوران پسا انقلاب به تصویر کشیده می‌شود از سوی دیگر به‌طور تلویحی به نقش منش و ویژگی‌های فردی میانه‌روها اشاره می‌شود اما به زمینه‌های شکل‌گیری منش و خصوصیات اخلاقی کنش‌گران پرداخته نمی‌شود.

خستو (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «ساخت‌یابی روشنفکری دینی؛ «مطالعه موردی مهندس بازرگان» به بررسی عوامل مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری منش و کنش مهندس بازرگان در فضای سیاسی و اجتماعی ایران می‌پردازد. بر اساس یافته‌های نگارنده در اندیشه بازرگان شاهد تأثیر نهادهای دوگانه سنتی و مدرن بر شخصیت وی هستیم و می‌توان ملاحظه کرد چگونه خاستگاه اجتماعی فوق بر دیدگاه و گُنش او تأثیر می‌گذارد. در آثار بازرگان ماهیت دوگانه اندیشه‌های او کاملاً نمایان است. در این مقاله با تأکید بر نظریه ساخت‌یابی شکل‌گیری جریان روشنفکری دینی «گفتمان ملی‌گرای مذهبی» محصول تعامل و وابستگی متقابل کارگزار و ساختار بوده است.

در نوشتار پیش رو تلاش می‌شود تا با بررسی تقابل میان جریان ملی-مذهبی در قالب گفتمان ملی‌گرای مذهبی و جریان مذهبی در قالب گفتمان انقلابی‌گری به یکی از مهم‌ترین کنش‌های رفتاری یعنی کنش حذف و طرد در فضای سیاسی کشور پرداخته شود. در این راستا برای درک بهتر این کنش با پرهیز از تحلیل‌های تک‌متغیره مبتنی بر ساختار یا کارگزار چارچوب نظری گُنش‌پی‌یر بوردیو را که مبتنی بر نوعی جامعه‌شناسی تعامل‌گرایانه می‌باشد به کار گرفته می‌شود از این رو تفاوت نوشتار پیش رو با آثار قبلی را می‌توان در جامعیت تحلیلی آن و توجه هم‌زمان به نقش عاملیت و ساختار یا به تعبیر بوردیویی تعامل منش «عادت‌واره» کنش‌گران و میدان در شکل‌گیری کنش جستجو کرد.

## ۲. چارچوب نظری: بوردیو و ابعاد امر سیاسی

در نوشتار پیش رو از چارچوب نظری «کنش» پی‌یر بوردیو استفاده شده است. لذا باید ابتدا به شرایط تاریخی شکل‌گیری این دیدگاه و مولفه‌ها و عناصر فکری دستگاه نظری او نگاهی اجمالی داشته باشیم. پی‌یر بوردیو را متعلق به جریانی در جامعه‌شناسی می‌دانند که از آن به‌عنوان جریان بازاندیشی در تاریخ جامعه‌شناسی یاد می‌شود. این جریان بر خلاف جامعه‌شناسان متقدم (عین‌گرایان و ذهن‌گرایان)، واقعیت اجتماعی را نه صرفاً امری عینی قلمداد می‌کنند و نه آن را برساخته کنش‌گران انسانی. آنان به تقابل بین



ذهن و عین معتقد نبوده بلکه عین و ذهن را لازم و ملزوم و مکمل یکدیگر می‌دانند (پرستش، ۱۳۹۳: ۲۱-۲۵). البته باید به این نکته اشاره کرد که دیالکتیک میان عین و ذهن را پیش‌تر آدورنو مطرح کرده بود و اندیشه‌های بوردیو متأثر از اندیشمندی مانند اوست. پی‌یر بوردیو، آراء خود درباره عمل «کنش» را ابتدا در کتاب طرح کلی نظریه‌ای درباره عمل<sup>۱</sup> و بعدها در کتاب منطق عمل<sup>۲</sup> به رشته تحریر درآورد. پردازش نظریه عمل و درک منطق آن مبین این نکته است که او ارتقاء رویکرد تلفیقی تا سطح یک برنامه پژوهشی را مستلزم نظریه عمل منحصر به فردی می‌داند که در آن نحوه مواجهه با کنش متفاوت از سنت‌های دوگانه معهود باشد. بدین ترتیب با توسعه مفهوم عمل سعی می‌کند که بر تقابل‌های نظری سوژه / ابژه، فرهنگ / جامعه و ساختار / کنش فائق آید (کلهون، ۱۹۹۵: ۱) و با نفی جبرگرایی از یک‌سوی و اراده‌گرایی از سوی دیگر، نظریه عمل خود را مبتنی بر نوعی رویکرد رابطه‌ای فراهم آورد (بوردیو، ۱۹۹۳: ۷۵). به عبارت دیگر، عمل نه پیامد ساختارهای متعین است که بنا بر علل به وجود آمده باشد و نه نتیجه منطقی انتخاب عقلانی که بر دلایل خود استوار است، بلکه همجوشی و هم‌آیندی علت و دلیل زمینه‌ساز عمل می‌باشد. در حقیقت نظریه عمل بوردیو بر اساس مفهوم منش و تعامل آن با مفهوم میدان سعی در ارائه اصول مولد رفتار انسانی دارد (گریلر، ۱۹۹۶: ۱۸۷). در نتیجه آشکار است که موقعیت عامل در فضای اجتماعی، نقشی عمده در تبیین رفتار ذیل نظریه عمل بوردیو ایفا می‌کند، به گونه‌ای که این رویکرد دیگر نمی‌تواند از مفاهیم موجود در سنت‌های متقابل جامعه‌شناسی به‌منظور تبیین کنش استفاده نماید، و به جای آن‌ها باید به مفهوم‌پردازی متناسب با هستی‌شناسی خود روی آورد (جمشیدی‌ها و پرستش، ۱۳۸۶: ۷).

این نظریه مبتنی بر رویکرد ساختاری و جامعه‌شناسی رابطه‌ای است و نقش عاملیت و ساختار و دیالکتیک میان این دو در تبیین و تحلیل پدیده‌های سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. چارچوب نظری کنش از سه جز تشکیل شده است. میدان، عادت‌واره (منش<sup>۳</sup>) و سرمایه. منش یا عادت‌واره محوری‌ترین ایده مفهومی بوردیو است که به همه جنبه‌های چارچوب نظری او معنا می‌بخشد. بوردیو به کمک مفهوم منش یا عادت‌واره، رابطه دیالکتیکی بین ساختار و عامل برقرار می‌کند. در واقع اهمیت منش در اندیشه بوردیو در این است که از نظر ذهنی به شکل‌گیری کنش، و از نظر عینی به وقوع

4. Outline of a theory of practice

5. The logic of practice

3. Habitus



کنش کمک می‌کند (زکی، ۱۳۹۵: ۲۱۱). بورديو با مفهوم منش فرایندی را توضیح می‌دهد که به واسطه آن عملکردهای سبک زندگی را بازتولید می‌کند بر این مبنا می‌توان گفت منش مجموعه‌ای از خلق و خوی‌های پایدار در افراد است که کردارهای خاص پدید می‌آورد افراد طبق چنین نظام‌های درونی شده‌ای عمل می‌کنند که بورديو آن را ناخودآگاه فرهنگی می‌نامد از این رو منش سازوکاری انتقالی است که به مدد ساختارهای ذهنی و اجتماعی در فعالیت اجتماعی روزمره تجسم می‌یابد (ایگلتن، ۱۳۸۱: ۲۴۰). در اینجا باید به جنبه اکتسابی منش تأکید نمود، زیرا منش صرفاً مجموعه‌ای از انگیزه‌های روانی نیست، بلکه محصول جامعه‌پذیری بلندمدت در شرایط اجتماعی خاص یا موقعیت معین است (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۲۱). در سپهر اندیشه بورديو، به نظام ساخت‌یافته موقعیت‌های اشغال شده از سوی افراد و نهادها بر پایه روابط قدرت عنوان میدان اطلاق می‌گردد. به بیان دیگر، میدان، بنا به تعریف، ناظر به نوعی قلمرو اجتماعی است که در آن عادت‌واره‌های مشخص جاری است. هر میدان اجتماعی ضمن برخورداري از قواعد سازماندهی خاص خود، مجموعه‌ای از موقعیت‌ها و کنش‌های مرتبط را فراهم آورده و آنها را مورد حمایت قرار می‌دهد. (بورديو، ۱۳۹۳: ۶۸). میدان قدرت مهم‌ترین میدان نزد پی‌یر بورديو می‌باشد که در قالب روابط نیرویی بین موقعیت‌های اجتماعی عمل می‌کند و متضمن نوعی سرمایه است که دارندگان خود را قادر می‌سازد تا به منازعات بر سر انحصار قدرت و یا بر سر تعریف شکل مشروع قدرت وارد گردند. میدان‌ها عرصه مبارزه و کشمکش هستند و نوع خاصی از مبارزه را به کنش‌گران تحمیل می‌کنند. میدان‌ها یا زمینه‌ها، ساختارهای بیرونی‌اند که عوامل درونی را در فرد منعکس می‌کنند. در واقع آنها فضاهای زندگی اجتماعی‌اند. فضاهایی که قبل از تولد فرد موجودند و رفته‌رفته هویت و شخصیت جداگانه‌ای برای خود پیدا کرده‌اند (توسلی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

از نظر بورديو وجود نابرابری جزئی اساسی و جدایی‌ناپذیر از میدان است. بورديو نابرابری اجتماعی را با سه مؤلفه اساسی: اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی تبیین و بر مبنای آن نظریات خود را درباره انواع سرمایه در فضای اجتماعی ساخته و پرداخته می‌کند. بر این اساس، میدان به صحنه تنازع کنشگران و نهادها برای حفظ، بازسازی یا براندازی نظام موجود توزیع سرمایه، و در سطحی بالاتر توزیع قدرت، تبدیل می‌شود (موید حکمت و هاشمی فشارکی، ۱۴۰۰: ۲۷۹).

از دیدگاه بورديو سرمایه عبارت است از منابع، کالاها و ارزش‌های در دسترس افراد که در میدان می‌توانند برای دارندگان‌شان قدرت به دست آورند. مراد بورديو از «سرمایه» منابعی است که در سراسر بدن اجتماعی توزیع می‌شود و در انواع مختلفی از «بازارها» یا «میدان‌ها» ارزش مبادله دارند. بورديو از



چهار نوع سرمایه سخن می‌گوید که عبارتند از سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین؛ که همه آن‌ها به نوعی قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارند (گرنفل، ۱۳۸۸: ۳۲۳). سرمایه اجتماعی شبکه‌ای از اعتماد متقابل، روابط و مشارکت افراد را پدید می‌آورد و قابلیت است که در تجمع و تزايد مهارت‌های فردی شکل می‌گیرد. بورديو از سرمایه اجتماعی به‌عنوان دارایی‌های اجتماعی یاد می‌کند و معتقد است این موضوع بستگی به این دارد که این افراد تا چه اندازه‌ای قادر به بسیج کردن سرمایه یک گروه می‌باشند (فیلد، ۱۳۹۲: ۳۳). سرمایه اجتماعی از نظر وی، بر تعهدات و ارتباطات اجتماعی مبتنی است، وی معتقد است، عضویت در یک گروه برای هر یک از اعضایش از طریق حمایت یک سرمایه جمعی، صلاحیتی فراهم می‌کند که آنها را مستحق اعتبار به معانی مختلف کلمه می‌کند (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۸). منظور بورديو از سرمایه اجتماعی، منافع و منابعی است که افراد به‌واسطه عضویت در شبکه‌ها به‌دست می‌آورند. وی بستر تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی را محیط فرهنگی و اجتماعی در یک جامعه می‌داند و افراد را به‌صورت انفرادی مدنظر قرار نمی‌دهد، بلکه در این رابطه بیشتر به فضای فکری و ادراکی بین افراد و شرایطی که ایشان را به هم نزدیک می‌کند توجه دارد (کلدی، ۱۳۸۴: ۱۸۷-۱۸۶). به اعتقاد بورديو سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل در شبکه‌ای است که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌سازد و آنان را مستحق اعتبار می‌نماید. منفعتهای حاصل از عضویت در یک گروه و شبکه اجتماعی، همبستگی را به‌وجود می‌آورد که حصول منفعت را ممکن می‌کند (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

بورديو سرمایه فرهنگی را نوعی عادت‌واره می‌داند که فرد در طی مراحل جامعه‌پذیری ورود به میداین مختلف کسب می‌نماید (بورديو، پاسرون، ۱۹۹۰: ۴۵). درواقع، این سرمایه بیشتر از خاستگاه طبقه اجتماعی مردم و تجارب آموزشی‌شان سرچشمه می‌گیرد (ریترز، ۱۳۷۸: ۷۲۸). سرمایه فرهنگی با مجموعه‌ای از داشته‌های فکری منطبق است که توسط نظام آموزشی تولید می‌شود یا از طریق خانواده انتقال می‌یابد (بون ویتز، ۱۳۹۱: ۶۸). سرمایه نمادین حاصل بازشناسی مشروعیت موضع کسی است که آن را در اختیار دارد، پس تسلط آن فرد بر دیگران به‌دلیل همین مالکیت محرز می‌گردد، لذا این نوع سرمایه، به نگاه دیگران بستگی دارد. سرمایه نمادین را می‌توان به معنای قدرت تسلط غالب، به شرط قبول مقبول، در یک واقعیت انسان‌شناختی پیدا کرد. سرمایه نمادین به اشکالی از تسلط میدان می‌دهد که وابستگی ایجاد کند، وابستگی به کسانی که سرمایه اجازه تسلط به آن‌ها را داده است، درواقع این سرمایه جز در احترام و بازشناسی و باور و اعتبار و اعتماد به دیگران وجود خارجی پیدا نمی‌کند و تا



زمانی که باور دیگران به وجود آن را به همراه نداشته باشد، نخواهد توانست دوام یابد (صالحی امیری و سپهرنیا، ۱۳۹۴: ۵۹). از دیدگاه بوردیو، سه عامل در سرمایه تأثیر اساسی دارد: حجم، ترکیب و مسیر. حجم مربوط به میزان سرمایه است. ترکیب به میزان فراوانی نسبی سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین است. همچنین، از نظر وی، هر فردی در زندگی اجتماعی خود مسیری را طی می‌کند که آن مسیر می‌تواند او را از یک نقطه به نقطه دیگر حرکت دهد (صالحی امیری و سپهرنیا، ۱۳۹۴: ۳۹).

کنش تکانه‌ای یا سیاست طرد و حذف به‌عنوان یکی از شاخصه‌های این نوع از کنش در چارچوب فرهنگ سیاسی قرار می‌گیرد. متونی که بر نقش فرهنگ سیاسی در ایران به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه در توسعه نیافتگی اشاره می‌کنند عمدتاً یا به خصصت‌ها و منش‌های کنش‌گران (عادت‌واره) اشاره و یا ساختار سیاسی (میدان) را مورد توجه قرار داده‌اند. در نوشتار حاضر سعی شده از این نگاه تقلیل‌گرایانه فاصله گرفته و با بهره‌گیری از نظریه کنش پیر بوردیو و جامعه‌شناسی تعامل‌گرایانه او به‌طور هم‌زمان به نقش ساختار و کارگزار و تعامل میان این دو در شکل‌گیری رفتارهای غیردموکراتیک و تکانه‌ای و سیاست طرد و حذف توجه شود.

### ۳. میدان سیاست و قدرت: عرصه ظهور کنش‌های تکانه‌ای و سیاست طرد

#### ۳-۱. ظهور کنش‌های تکانه‌ای

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ملهم از دو اندیشه و آرمان ناسیونالیسم ایرانی و اسلام بود. پیروزی انقلاب اسلامی نتیجه اتحادی بود که میان افراد و جریان‌های سیاسی برای حذف شاه از قدرت شکل گرفته بود. مهم‌ترین خصیصه این ائتلاف آن بود که بسیار متکثر بود و بخش زیادی از اندیشه‌ها را نمایندگی می‌کرد اما در عین حال میان این ائتلاف جز بر سر برکناری شاه از قدرت هیچ گونه تعهد سیاسی و یا هدف مشترک دیگری وجود نداشت (فریدمن، ۲۰۱۸: ۳). پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ که ناشی از ائتلاف میان سه جریان فکری و ایدئولوژیک (اسلام‌گرایان، ملی‌گرایان سکولار و چپ‌گرایان) با هدف گذار از حکومت محمدرضا شاه بود، میدان قدرت و سیاست در ایران بار دیگر به کانون تقابل تبدیل شد. در سال‌های نخست و با تشکیل دولت موقت به ریاست مهندس بازرگان، جریان ملی مذهبی قدرت را در دست گرفت و جهت تثبیت گفتمان ملی‌گرایی مذهبی و تثبیت و هژمون ساختن این گفتمان تلاش‌هایی انجام داد. در این میان اسلام‌گرایان با توجه به موقعیت منحصر به فرد رهبری آیت‌الله خمینی و نقشی که روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشت به‌عنوان جدی‌ترین رقیب گفتمان ملی‌گرای



مذهبی تلاش داشتند با به حاشیه راندن این گفتمان و حاکم ساختن گفتمان اسلام انقلابی میدان قدرت و سیاست را در دست گرفته و سایر رقبا را به حاشیه برانند. از این رو می‌توان گفت میدان سیاست در سال‌های نخست پس از انقلاب اسلامی به حوزه و فضای منازعه میان جریان ملی - مذهبی با گفتمان ملی‌گرای مذهبی و روحانیون با گفتمان اسلام انقلابی تبدیل شد. ملی - مذهبی‌ها یا روشنفکران دینی یکی از جریان‌های فکری ایران معاصر مدعی سنتز جدیدی از تلفیق سنت و مدرنیته بودند و از آنجا که جهان‌بینی سنتی و مدرن به شکلی که وجود داشت خواسته تام و تمام آنان نبود با گزینش‌گری در پی بنیان‌گذاری جامعه و سیاستی آرمانی بر اساس مؤلفه‌های دینی و مدرن برآمدند و بدین ترتیب، کنش آنان بر تحولات سیاسی چند دهه اخیر ایران تأثیر مهمی بر جای گذارده است (خستو، ۱۳۸۹: ۴۳). این جریان فکری بر ارتباط میان دین و سیاست و امکان تأسیس حکومت دموکراتیک در یک جامعه مدرن بر اساس آموزه‌های دینی تأکید داشتند. ملی‌مذهبی‌ها به‌عنوان یک جریان نوگرای تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا ثابت کنند تعارضی میان اسلام و نوگرایی وجود ندارد.

همان‌گونه که گفته شد تقابل میان روحانیون انقلابی و جریان روشنفکری دینی عمدتاً در شکل تقابل گفتمانی ظهور و بروز یافت. این تقابل گفتمانی ریشه در پایگاه اجتماعی، تجربیات زندگی شخصی، عادت‌واره‌ها و میدان‌های متفاوتی داشت که هر یک از آن‌ها در آن زیست کرده بودند. تقابل میان گفتمان ملی‌گرای مذهبی و گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان یک کنش تقابلی در میدان سیاست در ۴ محور اصلی مسئله ولایت فقیه، نسبت دین و سیاست، تقابل ملت‌گرایی و امت‌گرایی و کنش تدریجی و اقدام انقلابی سیاست‌پرد و کنش‌های تکانه‌ای را دامن زد.

### ۳-۱-۱. مسئله ولایت فقیه

مهندس بازرگان و جریان روشنفکری دینی اصالت و اعتباری برای اصل ولایت فقیه قائل نبوده و آنرا یک نظر فقهی سیاسی بدیع می‌دانستند. از سوی دیگر از نظر قانونی نیز این اصل را دارای اشکالات جدی می‌دانستند... «چنین منصبی را برای فردی قائل شدن خیانت به آرمان‌های انقلاب و ملت است. از نظر سیاسی - اجتماعی ولایت فقیه چیزی جز خو کامگی یا استبداد دینی و دولتی نیست و موجب محو آزادی و استقلال می‌شود» (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۷: ۱۸-۱۵). درمقابل، آیت‌الله خمینی بیان می‌کند: «حکومت مطلقاً از آن فقیه است و امام آنان را حاکم بر مردم قرار داده است... تمام آنچه برای نبی و وصی از باب حکومت و ولایت در امور سیاسی و حسبه ثابت است، همان شئون برای فقیه نیز ثابت است و موارد قابل استثناء جداً اندک‌اند» (موسوی خمینی، ۱۳۲۹: ۵۳). وی در کتاب البیع با توضیح



بیشتری از شئون و اختیارات ولی فقیه سخن می گوید: «جمع آن چه برای امام (ع) است، برای فقیه نیز ثابت است، به جز مواردی که دلیل حکم کند آن چه برای امام (ع) است نه از جهت ولایت و سلطنت او، بلکه به جهات شخصی و امتیازات شخصی امام (ع) است» (موسوی خمینی، ۱۳۵۲: ۶۶۴). تئوری سیاسی آیت الله خمینی، رابطه معنا داری با بحران های زمانه اش دارد. چنان که وقتی ایشان به اصلاح نظام سلطنت امید دارد، در کشف اسرار تصریح می کند که حکومت باید با نظارت فقیه اداره شود، ولی زمانی که به دلیل عدم کارایی مشروطه، تشدید بحران های سیاسی و اجتماعی را مشاهده نمود، ولایت فقیه را تنها راه حل چالش های سیاسی موجود می داند (بهبودی، ۱۳۹۷: ۲۹). دوران رشد آیت الله خمینی با سال های اختلاف علما در مشروطه و گسترش اندیشه های غرب مدارانه در ایران همراه بود. سال های تأسیس حکومت سکولاریستی پهلوی (۱۳۰۴)، تأثیر عمیقی بر تفکر سیاسی ایشان داشت. با توجه به برنامه حذف روحانیت در دوره پهلوی اول، و افزایش نفوذ سکولارها، آیت الله خمینی به رهیافت شیخ فضل الله نوری رهبر علمای مشروطه خواه، در مبارزه توأمان با مخالفان و تشکیل حکومت دینی، گرایش بیشتری نشان داد. در چنین شرایطی است که آیت الله خمینی با معرفی حکومت اسلامی و ولایت فقه در دو اثر برجسته خود (کشف اسرار و ولایت فقیه) از حکومت پهلوی و رژیم هایی نظیر آن عبور کرده و حکومتی را دینی می داند که قدرت اجرایی آن به طور مستقیم در اختیار فقیه باشد (اسماعیلی، رحیم پورازغدی، نوعی باغبان، ۱۴۰۱: ۱۵۳-۱۴۵).

### ۳-۱-۲. نسبت دین و سیاست

از مبانی مهم نهضت آزادی که در تضاد کامل با گفتمان انقلاب قرار دارد، جدایی دین از سیاست یا سکولاریسم است. این در حالی است که از منظر امام خمینی اسلام ناب، حکومت را جزء دین می داند و سیاست را عین دیانت می انگارد و وظیفه دینداران را تلاش جدی در عرصه سیاسی می داند، چرا که تحقق قسط و عدالت اجتماعی را مهم ترین هدف سیاسی - اجتماعی دین و اسلام تلقی می کند. امام خمینی، بدین جهت معتقدند «اسلام تماش سیاست است» (خمینی، ۱۳۸۷: ۲۷۰). نگرانی عمده نهضت آزادی تشکیل حکومت بر اساس ارزش های دینی بود. نهضت آزادی معتقد است بر فرض اینکه یک حکومت و دولت دینی از همه جهت تمام و کمال به دست مؤمنان تشکیل شود، آن چه نباید این حکومت و دولت دخالتی در آن بنماید، دین و اخلاق مردم است؛ چرا که دولت یعنی قدرت و زور در برابر تجاوز بیگانگان به کشور، اما در برابر عقیده، عبادت و رابطه انسان با خود و خدا یعنی آزادی و تقرب، بسیار اشتباه و نقض غرض است که دولت حضور پیدا کند. این جریان با انتقاد از نظام جمهوری اسلامی



می‌گوید: در این نظام شعار دین و دنیا با هم تلفیق شد و به صورت دین و سیاست تابع روحانیت درآمد و کار را به جایی رساند که گفتند حکومت و بقای نظام یا به عبارت دیگر قدرت و حاکمیت از اولویت و اصالت برخوردار است. اگر مصالح دولت و حفظ امت اقتضاء نماید می‌توان اصول و قوانین شریعت را فدای حاکمیت نمود، تا جایی که توحید نیز تعطیل گردد (بازرگان، ۱۳۷۳: ۵۸). بازرگان مشکل جامعه ایران را در «استبداد سیاسی» که به نام ملیت یا دین یا حفظ وحدت کشور اعمال می‌شود، می‌داند. ایشان به صراحت بیان می‌کند که پیامبران اصلاً برای تأسیس و تشکیل حکومت نیامده بودند تا عده‌ای در دوران غیبت به نام آن‌ها دولت ایجاد کنند و بر گرده مردم سوار شوند و تمام ظلم‌ها و تعدیات را به نام خدا و رسول خدا (ص) انجام دهند (مولوی وردنجانی و فیض‌افرا، ۱۳۹۸: ۲۳۷). فضای اجتماعی و انسداد سیاسی دهه ۶۰ که بازرگان را ناچار به روی گردانی از میدان سیاست کرد تأثیر عمده‌ای بر نگرش بازرگان در مورد رابطه دین و سیاست کرد. در واقع بازرگان در این دوره در نگاه خود نسبت به نقش و حضور اسلام در میدان سیاست تجدید نظر می‌کند و بر جدایی سیاست از دیانت تأکید می‌کند و قرائتی سکولارتر از اسلام ارائه می‌کند.

### ۳-۱-۳. تقابل ملت‌گرایی و امت‌گرایی

بازرگان یکی از تفاوت‌های اساسی بین نهضت آزادی و نیروهای انقلابی را در این می‌دانست که امام و انقلابیون خواستار اسلام و خدمت به دین بودند، ولی نهضت آزادی خواستار خدمت به ایران بود. در این گفتمان بر عنصر دولت - ملت در محدوده سرزمین ایران تأکید می‌شود. آنچه از بررسی آثار مهندس بازرگان به دست می‌آید تأکید بر عنصر دولت - ملت در مقابل اسلام و به عبارت دیگر تقدم ایران بر اسلام است. در مرانامه نهضت آمده است: «ما مسلمان، ایرانی، تابع قانون اساسی مشروطه و مصدقی هستیم». بازرگان یکی از تفاوت‌های اساسی بین نهضت آزادی و نیروهای انقلابی را در این می‌دانست که امام و انقلابیون خواستار اسلام و خدمت به دین بودند، ولی نهضت آزادی، خواستار خدمت به ایران بود. این در حالی بود که در گفتمان انقلاب اسلامی مفهوم نهایی و دالی که باعث تولید معنا حتی برای «دال جمهوری اسلامی» شده و حتی دیدگاه‌های امام خمینی را شکل داده «دین اسلام» است. در این گفتمان تمام دال‌های شناور و سایر مفاهیم مانند استقلال، آزادی، استکبارستیزی، مردم‌سالاری دینی، عدالت و خدمت به مستضعفین از اسلام نظم گرفته و با هم مفصل‌بندی شده‌اند. در این گفتمان امت‌محوری مقدم بر ملی‌گرایی است و ملی‌گرایی را نوعی نگرش حداقلی به دین قلمداد می‌کند (مولوی وردنجانی و فیض‌افرا، ۱۳۹۸: ۲۳۴-۲۴۱).



تفسیر خاصی که اسلام‌گرایان انقلابی از حکومت و سیاست داشتند در قالب انترناسیونالیسم اسلامی ظهور پیدا کرد که هدف و آرمان این تفسیر حداکثری تشکیل امت واحده اسلامی و حمایت از مستضعفان جهان در مقابل جهان کفر و امپریالیسم جهانی بود. در مقابل گفتمان ملی‌گرای مذهبی مخالف هر گونه تقابل با نظام جهانی و نظم حاکم بر آن بود. این رویکرد را باید ناشی از هویت ملی‌گرایان مذهبی دانست که عمدتاً از عناصر ایران‌گرایی، اسلام‌گرایی، و تجددگرایی سرچشمه می‌گرفت.

### ۳-۱-۴. کنش تدریجی و اقدام انقلابی

مهندس بازرگان و اعضای دولت موقت به‌عنوان یک جریان میانه‌رو از نظر فکری افرادی اصلاح‌طلب و طرفدار اقدامات تدریجی، قانونی و به‌دور از خشونت بوده و با هر گونه اقدام انقلابی مخالف بودند. به نحوی که حتی بازرگان کمتر از ۴ ماه به انقلاب به سقوط شاه باور نداشت. ۲۲ اکتبر ۱۹۷۸ بازرگان با آیت‌الله خمینی در پاریس دیدار و در مورد استراتژی انقلاب با ایشان صحبت کرد. هدف بازرگان از این دیدار متقاعد کردن آیت‌الله خمینی بود مبنی بر این بود که اپوزیسیون باید پیشنهاد شاه در مورد انتخابات آزاد و عادلانه تابستان پیش رو را بپذیرد. بازرگان معتقد بود که جنبش از طریق این تربیون عمومی و پایگاه قانونی می‌توانست به‌صورت روش‌مند قدرت اجرایی را تحت کنترل خود قرار دهد. بازرگان این رویکرد را برنامه «گام به گام» خود نامید. با این تفاسیر بازرگان در این راه نتوانست حمایت آیت‌الله خمینی را به دست آورد چرا که آیت‌الله خمینی تأکید داشت که انقلاب به‌طور کامل و خیلی زود به پیروزی خواهد رسید (کرزن، ۲۰۰۴: ۳۳۳-۳۳۴).

با توجه به منش مهندس بازرگان به‌عنوان یک فرد پرگماتیک یکی از اهداف اصلی دولت موقت پرهیز از اتخاذ سیاست‌های پوپولیستی و اقدامات هیجانی و رادیکال بود. از سوی دیگر شخصیت دموکراتیک بازرگان و باور او به دموکراسی و آزادی و تأکید بر حقوق بشر و میانه روی مانع از آن می‌شد تا با گروه‌های و جریان‌هایی که از منظر جریان انقلابی و روحانیون ضد انقلاب و یا گروه‌های معاند قلمداد می‌شدند برخورد قاطع صورت بگیرد. مهندس بازرگان بیان می‌کرد: «همانند یک (فولکس واگن) است که آهسته می‌رود و در پی تغییرات اندک و آهسته و آرام آرام در جامعه می‌باشد». همان‌گونه که بیان شد وی وعده تحولات آرمانی به توده مردم نداد. به سمت پوپولیسم انقلابی حرکت نکرد و معتقد به آزادی و طرد استبداد بود که این را می‌توان در نوشته‌های قبل انقلاب وی به‌خصوص در کتاب (مدافعان) دید. از این جهت وی هرگز دست به سرکوب سیاسی رقبای و مخالفان خود نزد و سعی در به‌روال عادی درآوردن اوضاع و دوری از قاطعیت انقلابی (مورد نظر انقلابیون) داشت (فیضی و رحمانی، ۱۳۹۱: ۴۱).



بازرگان در مورد سیاست قدم به قدم و اختلافش با امام در گفتگو با اوریانا فالاجی این چنین می گوید: «اولین مشکل وقتی بروز کرد که برای ملاقات ایشان به پاریس رفتم و می خواستم استراتژی صحیحی جهت مبارزه با رژیم را مطالعه کنم. همه می دانند من معتقد به سیاست قدم به قدم بودم، معتقد بودم که برای رهایی از دست شاه فقط یک راه بود و آن این که آمریکا را مجبور کنیم که کم کم شاه را ول کند و کاری کنیم که او هر چه بیش تر ضعیف شود و ملت روز به روز قوی تر شود. معتقد بودم چون ایشان [ملت] همیشه تحت سلطه یک مستبد بوده اند، بنابراین عادت به اطاعت کرده اند و هر دفعه هم که ناگهانی و بی مقدمه قیام کرده اند عاقبت بدی داشتند. امام خمینی برعکس این را می گفتند. همه چیز را سریع می خواستند: «که قدم به قدم یعنی چه؟ انتظار یعنی چه؟ حتی نباید یک روز هم فرصت را از دست داد. نه حتی یک دقیقه. ملت انقلاب را می خواهد، بلافاصله یا هرگز» (فالاجی، ۱۳۸۷: ۳۳-۳۲).

بازرگان در اولین پیام به ملت ایران بعد از قبول نخست وزیری در دانشگاه تهران این چنین می گوید: «انتظار این که مملکت یک شبه ره صد ساله را ببیماید، خواسته ها فوراً و به طور کامل و صد در صد تأمین گردد، همه بدها بلافاصله، بدون رسیدگی و محاکمه، مجازات و بلکه اعدام شوند ... از بلاها و دردهای هر دولت ملی و اسلامی است، خصوصاً در دوران انتقالی و موقت... امام خمینی از این رویه گام به گام و به دور از قاطعیت و انقلابی بودن دولت انتقاد کردند و از دولت خواستند انقلابی عمل کند. چنانچه در سخنرانی اسفند ماه ۵۷ به انتقاد از دولت موقت پرداختند. هم چنین بازرگان در ادامه سخنرانی ۵۹/۴/۲۹ امام خمینی را نقل می کند که در آن امام خمینی این طور گفته است: «از روز اول باید یک دولت قاطع باشد و جوان باشد (انتخاب می کردیم)... آن وقت فردی را نداشتیم که بتوانیم... انتخاب شد و خطا شد...» (بازرگان، ۱۳۶۳: ۶۷).

رویه گام به گام دولت موقت بر استراتژی گام به گام و سازندگی اصولی و درازمدت تکیه داشت، در حالی که شورای انقلاب اقدامات فوری را ترجیح می داد. چنان که هاشمی رفسنجانی و شهید بهشتی اعلام کردند که طرح های مورد پیشنهاد دولت موقت ممکن است سال ها به طول بینجامد. بنابراین وقت فراوان لازم دارد. در حالی که معلوم نیست پشتوانه و شرایط موجود تداوم یابد (اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۸۸). در نهایت بازرگان در گفتگو با فالاجی این طور می گوید: «اگر سیاست قدم به قدم را پیش گرفته بودیم، مسایلی را که امروز با آن دست به گریبانیم نداشتیم، کشور به نحو دیگری از آزادی هایش بهره می گرفت. همه چیز را خواستن و زود خواستن یک عادت قدیمی ایرانیان است که یک دنیا مشکلات و خطرات



به همراه دارد (فالاجی، ۱۳۸۷: ۳۴). برآیند اختلاف نظرها در موارد فوق در میدان سیاست و قدرت نهایتاً منجر به سیاست تقابل و کنش حذف و طرد گردید.

### ۲-۳. سیاست طرد

با نگاهی اجمالی به میدان سیاست و قدرت در ایران پس از انقلاب اسلامی و تقابل جریان ملی - مذهبی و روحانیت و گروه‌های اسلام‌گرا و انقلابی دو سؤال به ذهن متبادر و هر ذهن پرسشگری را به تفکر وامی‌دارد؛ نخست: به راستی این میزان از تفاوت دیدگاه و اختلاف از کجا نشأت می‌گیرد. دوم: چرا گفتمان ملی‌گرای مذهبی به راحتی از فضای سیاسی و اجتماعی ایران حذف می‌شود؟ در چرایی تقابل و نهایتاً حذف جریان ملی - مذهبی و گفتمان ملی‌گرای مذهبی به‌عنوان یکی از گفتمان‌های اصلی روشنفکری دینی و ناتوانی این گفتمان در تقابل با گفتمان انقلابی روحانیت شیعه در میدان سیاست و قدرت باید به سه عامل توجه داشت. نخست تفاوت میدان زندگی روزمره جریان روشنفکری دینی در مقایسه با روحانیت شیعه، دوم، عادت‌واره‌ها یا منش‌های متفاوت کنش‌گران ملی - مذهبی نسبت به روحانیت سنتی و سوم؛ ساختار میدان قدرت و سیاست در ایران پس از انقلاب اسلامی که ویژگی اصلی آن توزیع نامناسب سرمایه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و و نمادین) و همچنین خصلت سازش‌ناپذیر آن بود.

### ۱-۲-۳. تفاوت در میدان زندگی روزمره

دولت موقت و شخص مهندس بازرگان نماینده جریان روشنفکری دینی در ایران بودند که گرچه ریشه در سنت و آموزه‌های دینی داشتند اما با مکاتب فکری جدید و اندیشه‌های مدرن نیز آشنایی داشته و به دنبال ایجاد سنتز جدیدی متشکل از اندیشه‌های سنتی و مدرن و تفسیری حداقلی از دین بودند. این سنتز در قالب گفتمان ملی‌گرای مذهبی تبلور یافت و به‌عنوان یکی از گفتمان‌های اصلی انقلاب اسلامی نقش مهمی در مبارزه جهت پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرد. شکل‌گیری گفتمان ملی‌گرای مذهبی به‌عنوان یک کنش (کنش گفتمانی) بیش و پیش از هر عاملی متأثر از میدانی بود که جریان روشنفکری دینی در آن زیست داشتند. به‌معنای دیگر همان‌گونه که پی‌یر بوردیو بیان می‌کند به ازاء هر سطح از موقعیت‌ها، سطحی از عادت‌واره‌ها یا سلیقه‌ها وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن بوجود می‌آید، و توسط این عادت‌واره‌ها مجموعه انتظام‌یافته‌ای از ثروت‌ها و خصلت‌ها به‌وجود می‌آورد که در درون خود از یک وحدت اسلوب برخوردارند. یکی از مهم‌ترین میدان‌های اجتماعی که بوردیو بر آن



تأکید ویژه‌ای دارد خانواده است. به‌زعم بوردیو، فرد پس از تولد در اولین فرمایشیون اجتماعی یا میدان اجتماعی که وارد می‌شود و عادت‌واره‌های حاکم بر آن را درونی کرده و می‌پذیرد خانواده است. در خانواده افراد بزرگتر مانند پدر و مادر و خواهران و برادران بزرگ‌تر به دلیل داشتن سرمایه‌های زیاد نسبت به بقیه اعضای خانواده عادت‌واره‌ها و منش خاصی را بر فضای خانواده حاکم می‌کنند که افراد کوچک‌تر تحت تأثیر آنها این عادت‌واره‌ها و منش را درونی کرده و در خود نهادینه می‌کنند که در طول زندگی منشأ بسیاری از کنش‌ها و رفتارهای آنها قرار می‌گیرد (رضازاده، ۱۳۹۶: ۱۶).

روشنفکران دینی همگی برخاسته از خانواده‌های طبقه متوسط سنتی هستند و در نهادهایی آموزش دیده‌اند که از وجه مدرن و سنتی الهام می‌گرفتند و یا اگر هم آموزش مدرن دیده‌اند، از تعالیم سنتی نیز اثر پذیرفته‌اند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود با نهادهایی سر و کار داشته‌اند که تلفیقی از ویژگی‌های سنتی و مدرن را در خود داشته‌اند. به‌عنوان نمونه مهندس مهدی بازرگان فرزند حاج عباس قلی تبریزی موسوم به آقا تبریزی تاجری مذهبی بود. او در مکتب، قرآن فرا گرفت و از پیشگامان مبارزه با بی‌دینی و فحشا بود و در منزل خود مباحث مذهبی میان علما و مخالفین برگزار می‌کرد ولی ظاهراً کمتر ویژگی متعصبین هم‌دوره خود را داشت (خستو، ۱۳۸۹: ۵۸-۵۷).

مهندس بازرگان و روشنفکران دینی عمدتاً در دانشگاه‌های غربی تحصیل کرده بودند و زندگی در غرب و مشاهده حاکمیت قانون و وجود نظم و ثبات در این کشورها در شکل‌گیری اندیشه‌ها و منش آنها تأثیر به‌سزایی به جای نهاده بود. در واقع بعد از خانواده مهم‌ترین میدانی که روشنفکران دینی از آن تأثیر پذیرفتند محیط فرهنگی و آموزشی غرب و تحصیل در دانشگاه‌های غربی بود. زیست در چنین میدانی منجر به همدلی نشان دادن این جریان با مفاهیمی از قبیل دموکراسی، لیبرالیسم، ناسیونالیسم و دیگر ارزش‌های غربی شده بود. زیست در چنین میدانی در شکل‌گیری عادت‌واره‌هایی از قبیل روحیه مشارکتی و تعامل، کنش ارتباطی برون‌گروهی، کنش تدریجی و عمل‌گرایی سهم عمده‌ای داشت. در مقابل، روحانیون عمدتاً از طبقات اجتماعی پایین جامعه بودند و در خانواده‌های فقیر و سنتی زندگی می‌کردند. در دوران حاکمیت رضا شاه و محمدرضا شاه نقش و نفوذ این قشر از جامعه به شدت کاهش یافت و نوعی احساس ناکامی و سرخوردگی در میان آنها شکل گرفت. ضدیت رضا شاه با مذهب نیز پس از تثبیت قدرت به شکاف میان روحانیون و حاکمیت انجامید. ایران‌گرایی با تأکید بر لزوم تجدید عظمت ایران باستان، غرب‌گرایی با تأکید بر لزوم بر مظاهر بیرونی تمدن غرب و مخالفت با اسلام و مذهب و شاه‌محوری سه شاخصه اصلی تغییر رویکرد رضا شاه به مذهب و روحانیون بود. با کودتای ۲۸ مرداد و



دوران اقتدارگرایی محمدرضا شاه شکاف عمیقی میان حکومت و روحانیون ایجاد شد. قرار دادن ایدئولوژی رژیم در تقابل با اسلام، طرح دولتی کردن روحانیت، و ایجاد تشکیلات موازی در برابر روحانیت از مهم‌ترین محورهایی بود که محمدرضا شاه از طریق آنها به ضدیت با روحانیت پرداخت و عامل شکاف بیشتر (هزاوه‌ای و میروسی، ۱۳۹۳: ۲۳۰-۲۲۶). یکی دیگر از مهم‌ترین میدان‌های تأثیرگذار در منش یا عادت‌واره روحانیت شیعه را باید زیست آن‌ها در حوزه‌های علمیه به‌عنوان زیرمیدان فرهنگی دانست. اندیشه‌هایی که در حوزه‌های علمیه فراگرفته می‌شود متفاوت با اندیشه‌های غربی است که عمدتاً مبتنی بر پوزیتویسم و نسبی‌گرایی هستند. دانشی که در نهادهای مذهبی آموزش داده می‌شود مبتنی بر نوعی ایدئولوژی دینی می‌باشد که مطلق انگاشته می‌شود. در این میدان فرهنگی امکان بحث و جدل و به رسمیت شناختن دیدگاه‌های متضاد به سختی امکان‌پذیر است. میدان خانواده، میدان سیاست و قدرتی که در آن روحانیت چندان به بازی گرفته نمی‌شدند و حس محرمیت نسبی در این میدان از یک سو و تأثیرپذیری از میدان فرهنگی (حوزه و نهادهای آموزشی تحت نفوذ روحانیون) از سوی دیگر، نه تنها موجب شکاف فزاینده روحانیون و دولت گردید بلکه در شکل‌گیری عادت‌واره‌ها و رفتارهای تکانه‌ای در میان این قشر از جامعه و تعمیق بی‌اعتمادی آن‌ها نسبت به حکومت، دولت‌های غربی و دیگر جریان‌های فکری به شدت تأثیرگذار بود.

### ۲-۲-۲. عادت‌واره‌های متفاوت

همان‌طور که گفته شد عادت‌واره نه صرفاً مجموعه‌ای از انگیزه‌های روانی، بلکه محصول جامعه‌پذیری بلند مدت است. در این راستا باید گفت میدان زیست جریان ملی‌گرای مذهبی (طبقه و پایگاه اجتماعی، خانواده، تحصیلات، زندگی در غرب) در شکل‌گیری عادت‌واره‌ها یا منش‌های این جریان سیاسی و فکری و شخص مهندس بازرگان تأثیرگذار بود.

### ۱-۲-۲-۳. عادت‌واره‌های گفتمان ملی‌گرایان مذهبی

#### اول: روحیه مشارکتی

روحیه مشارکتی و کار جمعی از مهم‌ترین عادت‌واره‌های مهندس بازرگان بود که می‌توان این عادت‌واره را به سایر روشنفکران دینی و جریان ملی - مذهبی تسری داد؛ روحیه مشارکت‌جویی بازرگان از دو میدان فکری سرچشمه می‌گرفت؛ اسلام و آموزه‌های غربی. بر اساس آموزه‌های اسلامی او به شورا و اهمیت آن در جامعه اسلامی تأکید می‌کرد. دموکراسی را نیز یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بشری و



لیبرالیسم در غرب می‌دانست که زمینه مشارکت همه طبقات اجتماعی در عرصه سیاست و جامعه را فراهم کرده بود. زندگی بازرگان در مفهوم‌پردازی سیاست تأثیرگذارا بوده است. مهدی بازرگان یک سال پس از انقلاب مشروطه به دنیا آمد و آرمان‌های آن انقلاب دغدغه و همزاد دائم او در سالیان دراز فعالیت سیاسی وی بودند. همین دغدغه‌های آرمان‌خواهانه، سراسر عمر او را در مبارزه با شعبه‌های مختلف استبداد و تلاش برای «اصلاح جامعه» به خود مشغول داشت. روشنفکری اسلامی از طریق آرای مهدی بازرگان و تشکیلات سیاسی نهضت آزادی ایران، صورت‌بندی دموکرات و آزادیخواهانه پیدا می‌کند (پدرام، ۱۳۸۲: ۶۴).

در بحث شورا بازرگان تلاش دارد تا حیطه شورا به تمام اموری که عقل بشری امکان دستیابی به آن را دارد افزایش دهد. این رویکرد به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی تقویت می‌شود و از این رو از حاکمیت مردم در وضع قوانین در معنای عام سخن می‌گوید. بازرگان با تأسی به مفهوم شورا به دنبال ایجاد شرایطی است که مشارکت بیشتر مردم در میدان سیاست را فراهم کند و از تسخیر میدان به دست روحانیون و سایر جریان‌های فکری رقیب جلوگیری کند. از سوی دیگر شورا نشان‌دهنده هسمویی عقل و دین است. ضرورت شورا به‌عنوان ابزار تصمیم‌گیری عمومی و نقد استبداد است. در گفتمان ملی‌گرای مذهبی، شورا صرفاً به معنای مشورت نیست بلکه به معنای حق انتخاب مردم از همه طبقات اجتماعی است.

### دوم: کنش تدریجی

یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی بازرگان اعتدال و مخالفت با افراط‌گرایی بود. همین رویکرد موجب انتقاد وی نسبت به حزب توده گردید. انتقاد اصلی بازرگان نسبت به حزب توده این بود که تحولات اجتماعی به‌صورت جهشی و سریع اتفاق نمی‌افتد، بلکه تحول از یک مرحله تاریخی به مرحله دیگر تدریجی خواهد بود (فیضی و رحمانی، ۱۳۹۱: ۴۵). این رویکرد بازرگان عمدتاً متأثر از نگاه علمی و پوزیتیویستی او نسبت به مسائل بود. خود بازرگان نیز خود را یک انقلابی آرام می‌داند؛ یک انقلابی به تعبیر خودش مانند «ماشین نازک‌نارنجی که باید روی جاده‌های آسفالت و راه هموار حرکت کند و نه بولدوزروار بر روی صخره‌ها» (لامعی، ۱۳۷۶: ۱۹۴). او به شدت به اقدامات تدریجی و سلسله‌مراتبی و منظم در تحول سیاسی باور داشت، در حالی که میدان سیاست و کنشگران فعال در ایران پس از انقلاب اسلامی به شدت رادیکال و تشنه اقدامات سریع و قاطع بودند (رمزی، ۲۰۱۶: ۱).



بازرگان از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۷۹ در تأسیس، سازماندهی، یا رهبری حداقل هشت جنبش، سازمان، کمیته، شورا یا گروه مشارکت داشته است از جمله: نهضت مقاومت ملی، دومین، سومین و چهارمین کنگره جبهه ملی، نهضت آزادی ایران، گروه مطالعات مخفی، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر، و شورای انقلاب. تا فوریه ۱۹۷۹ بازرگان بارها رهبری شوراهای بورکراتیک و سلسله‌مراتبی را تجربه کرده و به نوعی به کار سازمانی و سلسله‌مراتبی عادت کرده بود (رمزی، ۲۰۱۶: ۳-۲).

### سوم: عمل‌گرایی

یکی از مهم‌ترین منش‌ها یا عادت‌واره‌های بازرگان رویکرد اثبات‌گرایانه و پوزیتیویستی وی نسبت به مسائل مختلف بود. بازرگان برای رسیدن به نظم مطلوب سیاسی خویش نیاز به برنامه و ایدئولوژی دارد، و لذا با ویژگی اثبات‌گرایانه و پوزیتیویستی خود به تشریح و تبیین پراتیک و تئوری می‌پردازد و سعی دارد زمینه‌های کنش عملی را فراهم آورد... او این وانهاد عمل‌گرایی را یکی از علل انحطاط و عقب‌ماندگی جامعه می‌داند (خستو، ۱۳۸۹: ۶۴-۶۳). بازرگان انقلاب را متهم به اتخاذ برنامه‌های بلندپروازانه و غیرقابل دستیابی می‌کند (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۶۴). بازرگان به تجربه و عمل‌گرایی بیش از تفکر صرف انتزاعی اهمیت می‌دهد. او هر مقوله‌ای را که ارزش و نتیجه عملی نداشته باشد فاقد هر گونه ارزش و اعتباری می‌داند.

### ۳-۲-۲. عادت‌واره‌های روحانیت

#### اول: غرب‌ستیزی

همان‌گونه که در بالا اشاره شد در نتیجه زیست در میدان فرهنگی (حوزه علمیه) و جایگاهی که طبقات سنتی و روحانیت در میدان سیاست داشتند، شکاف میان دولت و روحانیت به بالاترین حد خود رسید و با توجه به اینکه دولت پهلوی را نماینده و مظهر غرب تفسیر می‌کردند، غرب‌ستیزی به عادت‌واره روحانیت و طبقات سنتی تبدیل شد. غرب‌ستیزی خود را در مخالفت با تمام مظاهر اندیشه و عمل غربی از جمله دموکراسی، آزادی، ناسیونالیسم، مارکسیسم و غیره نشان داد. از این رو زمانی که روحانیت پس از انقلاب اسلامی در میدان سیاست و قدرت به‌طور مستقیم حضور پیدا می‌کند شاخصه رفتاری حذف و رفتارهای تکانه‌ای به‌عنوان یک منش یا عادت‌واره به‌خصوص در مقابل کسانی که به‌نوعی از نظر فکری به غرب نزدیک بودند مشاهده می‌شود. این غرب‌ستیزی در تسخیر سفارت آمریکا به‌خوبی آشکار می‌گردد. پس از تسخیر سفارت آمریکا از سوی دانشجویانی که خود را پیرو خط امام می‌نامیدند، آیت‌الله



خمینی بلافاصله از این اقدام حمایت کرده و از آن به‌عنوان انقلابی بالاتر از انقلاب اول یاد کردند. آیت‌الله خمینی سعی روشنفکران دینی در ساخت انسان غربی در جامعه اسلامی را نوعی تهی‌سازی و هویت‌زدایی از جامعه ایران می‌داند. به باور ایشان طرح از غربی‌سازی و مدرنیسم مورد نظر غرب تنها این بوده که ما را از خود بی‌خبر و تهی کنند و به جای آن یک موجود غربی درست کنند.

### دوم: ایده‌آلیسم یا آرمان‌گرایی

همواره ایده‌آلیسم یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ویژگی‌های رفتاری گروه‌های انقلابی بوده است. اما این مؤلفه در میان روحانیت شیعه در دوران انقلاب و پس از آن نقش برجسته‌ای داشته است به گونه‌ای که می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی گفتمان‌های پس از انقلاب اسلامی را تقابل میان دو گفتمان واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی در نظر گرفت. آشکارترین شاخصه آرمان‌گرایی در عرصه سیاست و حکومت، در طرح ام‌القری اسلام و انترناسیونالیسم اسلامی در قالب تشکیل امت واحده اسلامی قابل مشاهده است. این عادت‌واره یا منش محصول جامعه‌پذیری بلندمدت روحانیت شیعه و شرایط اجتماعی و تاریخی ایران و میدان زیست روحانیت بوده است. رد پای این نگرش را به خوبی می‌توان در سیاست نه شرقی، نه غربی و به چالش کشیدن نظم و ساختار نظام بین‌الملل در سال‌های اولیه انقلاب و حمایت از گروه‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش و تلاش برای صدور انقلاب در سراسر جهان مشاهده کرد.

### سوم: بی‌اعتمادی

روحانیت شیعه تجربه خوشایندی از همکاری با ملی‌گرایان و دیگر جریان‌های سیاسی و فکری در مبارزات سیاسی در میدان سیاست و قدرت ندارد. با نگاهی به تحولات انقلاب مشروطه و بعدها نهضت ملی‌شدن نفت در ایران مشاهده می‌شود که روحانیت خود را فریب‌خورده قلمداد می‌کند که به‌واسطه اتحاد و ائتلاف موقت با جریان‌ها و گروه‌های سیاسی نه تنها منفعتی کسب نکرده بلکه بیش از پیش به حاشیه رانده شد و نادیده گرفته شده است. از این رو بی‌اعتمادی و کنش ارتباطی درون‌گروهی به یکی از منش‌ها یا عادت‌واره‌های روحانیت تبدیل شده که در آن برای پیشبرد برنامه‌های خود تنها به مشورت و همفکری هم‌فکران خود بسنده می‌کند و اعتمادی به دیگر جریان‌ها و گروه‌ها ندارد.

### ۳-۲-۳. ساختار میدان سیاست

اگر دو عامل قبلی یعنی عادت‌واره‌ها و میدان زندگی‌روزمه را زمینه‌ساز تقابل میان ملی‌گرایان مذهبی و اسلام‌گرایان انقلابی بدانیم، اما این خصلت و ماهیت میدان سیاست و قدرت در ایران پس از انقلاب



بود که نقش اصلی را در کنش حذف و طرد مهندس بازرگان و جریان فکری ملی- مذهبی ایفا کرد. چنانچه میدان را هم چون موجودی زنده در نظر بگیریم که عادت‌واره‌هایی در آن جاری است باید گفت که خصلت سازش‌ناپذیر کنش‌گران در میدان و توزیع نابرابر سرمایه (ساختار میدان) امکان هر گونه اجماع و همکاری میان نخبگان و جریان‌های فکری را عقیم گذاشته و منجر به بی‌اعتمادی و رفتارهای تکانه‌ای و سیاست‌پرد شده است.

### ۳-۲-۱. ذهنیت‌سازش‌ناپذیر

همان‌گونه که گفته شد افراد عادت‌واره‌های خاصی را که در میدان حاکمیت دارند درونی می‌کنند و کنش و رفتار عاملان اجتماعی بر مبنای آن صورت می‌گیرد. ذهنیت‌سازش‌ناپذیر نخبگان یکی از ویژگی‌های اصلی میدان سیاست در ایران بوده است. بر این اساس ائتلاف و توافق همواره در بستری غیردموکراتیک و در شرایط جنبشی رخ داده است. وجود دشمنی مشترک که غالباً متشکل از نخبگان حاکم است شکل‌گیری ائتلاف را میان نیروهای سیاسی مخالف اجتناب‌ناپذیر می‌کند. در شرایط نسبتاً دموکراتیک و غیرجنبشی که در آن قدرت دشمن مشترک تضعیف شده است، نخبگان رقیب تن به مصالحه با یکدیگر نمی‌دهند. مهم‌ترین عوامل تبیین‌کننده عدم مصالحه یا عدم تداوم ائتلاف در وضعیت پساجنبشی عبارتند از: ماهیت ائتلاف، شکاف‌های ایدئولوژیک نخبگان، منابع قدرت و سازمان نخبگان و ذهنیت‌سازش‌ناپذیر در فرهنگ سیاسی (یزدانی‌نسب و کاشانی، ۱۴۰۱: ۵۸۱۸).

از این رو پس از پیروزی انقلاب اسلامی و از میان رفتن حکومت پهلوی به‌عنوان عاملی موقت که سبب ائتلاف میان روحانیون و دیگر جریان‌های سیاسی شده بود شرایط جنبشی از میان رفت و با شکل‌گیری شرایط غیرجنبشی در کشور بار دیگر عادت‌واره و خصلت دیرین میدان سیاست در ایران یعنی همان خصلت ذهنیت‌سازش‌ناپذیر در میدان به‌عنوان قاعده اصلی بازی حکمفرما گردید و زمینه تقابل و رویارویی جریان انقلابی با روشنفکران دینی را مهیا کرد. در این میان شکاف‌های ایدئولوژیک نیز بر شدت این تقابل می‌افزود. در واقع تشکیل شورای انقلاب و بعداً نخست‌وزیری مهندس بازرگان در دولت موقت که پیشنهاد آن از سوی آیت‌الله مطهری مطرح و با موافقت آیت‌الله خمینی مواجه شد ناشی از روح همکاری و اتحاد و ائتلاف میان جریان‌های سیاسی و فکری نبود بلکه عمدتاً یک تاکتیک بود و هدف آن فراهم کردن شرایط برای گذار مسالمت‌آمیز قدرت به روحانیون بود. در معنای دیگر آیت‌الله خمینی از روی اجبار یا بنا به مصلحت اجازه ورود بازرگان و جریان ملی مذهبی به میدان سیاست را داده بود.



### ۲-۳-۲. توزیع نابرابر سرمایه

ویژگی دوم میدان سیاست در ایران پس از انقلاب اسلامی توزیع نامناسب سرمایه‌ها بود. این عامل نقش اصلی را در حذف گفتمان ملی‌گرای مذهبی و هژمون یافتن گفتمان اسلام‌گرای انقلابی ایفا کرد. بوردیو سرمایه را نوعی از انباشت ثروت یا امتیاز می‌داند و معتقد است می‌توان سرمایه‌های متفاوتی را تعریف کرد. از نظر وی سرمایه هر گونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی که در این صحنه حاصل می‌گردد مؤثر واقع می‌شود (استونز، ۱۳۸۸: ۳۳۶). سرمایه به عقیده بوردیو، مجموعه مایملک مادی (درآمدها) و نمادین (شهرت) است که به صورت نابرابر توزیع شده است و در بازی‌های اجتماعی خاص یک جامعه معین، ارزشمند محسوب می‌شود (شامپاین، ۱۳۹۳: ۶۲). اما سرمایه حالتی پویا دارد و می‌توان آن را انباشتی از امکاناتی دانست که خود منجر به امکاناتی دیگر می‌شود. بوردیو از چهار نوع سرمایه سخن می‌گوید که عبارتند از سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین؛ که همه آن‌ها به نوعی قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارند (گرنفل، ۱۳۸۸: ۲۳۲). سرمایه اقتصادی ثروت و پولی است که هر کنشگر اجتماعی در دست دارد و شامل تمام امکانات مادی، درآمدها و انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت، جلوه نهادی پیدا می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۴: ۳۰۰). این سرمایه از عوامل گوناگون تولید (املاک، کارخانجات، کار) و مجموعه دارایی‌های اقتصادی (درآمد، میراث، کالاهای مادی)، تشکیل شده است (بون ویتز، ۱۳۹۱: ۶۷).

با نگاهی به سیر تحولات در ایران پس از انقلاب اسلامی و موقعیت کنش‌گران در میدان سیاست به خوبی مشاهده می‌شود که روحانیت و گفتمان اسلام‌گرای انقلابی از نظر میزان، حجم و ترکیب سرمایه در میدان در موقعیت برتری قرار داشتند. در این دوره شاهد تمرکز قدرت ایدئولوژیک، اجرایی و نظامی در دستان روحانیت و ذیل رهبری شخصیت کاریزماتیک امام خمینی (ره) هستیم؛ تمرکز این منابع قدرت سبب در دست گرفتن اقتصاد و در نتیجه قبضه قدرت اقتصادی به دست روحانیت شد. این در حالی است که در شرایط دموکراتیک فرض بر آن است که هیچ یک از نیروها و نخبگان سیاسی تمرکز قدرت را در دست ندارند و حداقلی از توزیع انواع قدرت در بین گروه‌های نخبگی متکثر وجود دارد. در چنین وضعیتی مصالحه گاه برای دستیابی به منافع و اهداف مشترک نیروهای سیاسی متفاوت ضروری است. در شرایط غیردموکراتیک چنانچه منابع قدرت در اختیار یک نیرو یا گروه نخبه سیاسی باشد و این گروه مسلط موفق به برقراری ثبات سیاسی شده باشد، رابطه‌ای سرکوبگرانه میان گروه حاکم و سایر نخبگان برقرار خواهد بود که مصالحه به معنای دموکراتیک در آن جایی ندارد. بنابراین، بلافاصله بعد از



انقلاب، با تمرکز منابع قدرت در دست روحانیون شرایط دموکراتیک تبدیل به وضعیت سرکوبگرانه شد و امکان مصالحه را از بین برد (یزدانی نسب و کاشانی، ۱۴۰۱: ۵۸۲۷-۵۸۲۲). گرچه قدرت سیاسی در سال‌های اولیه انقلاب به ظاهر میان دو اردوگاه اصلی یعنی دولت موقت به رهبری مهندس مهدی بازرگان و روشنفکر برجسته مسلمان و رهبر حزب نهضت آزادی و شورای انقلاب به رهبری آیت‌الله خمینی تقسیم شده و دولت موقت مسئولیت ترمیم نهادهای از هم پاشیده پلیس، ژاندامری، ارتش و اداره کشور را بر عهده گرفته بود، اما این شورای انقلاب بود که نفوذ زیادی بر شبکه وسیع کمیته‌های انقلاب، گروه‌های مسجدمحور (حزب‌اللهی‌ها)، دادگاه‌های انقلاب و سپاه پاسداران داشت و عملاً نیروهای حامی آیت‌الله خمینی، شورای انقلاب و گفتمان انقلابی قدرت اصلی را در دست داشتند. (استوار، ۲۰۰۹: ۵۱-۵۰).

در واقع روحانیت با در دست داشتن بخش عمده‌ای از سرمایه اقتصادی، اجتماعی (سرمایه اجتماعی درون‌گروهی)<sup>۱</sup>، فرهنگی و نمادین که پس از انقلاب به دست آورده بود از توزیع نابرابر سرمایه در میدان سیاست به سود خود بهره‌برداری کرده و در این راستا وجود عادت‌واره‌هایی از قبیل رفتارهای تکانه‌ای و هیجانی، ذهن‌گرایی، تقدیرگرایی، و کنش ارتباطی درون‌گروهی (در شکل عادت‌واره) و تعامل این عادت‌واره‌ها با میدان سیاست بستر رویارویی و تقابل روحانیت و جریان روشنفکری دینی و گفتمان ملی‌گرای مذهبی را مهیا کرده که برآیند آن کنش تکانه‌ای در فضای سیاسی کشور بود که در شکل حذف و دگرسازی تمام گفتمان‌ها و جریان‌های فکری رقیب خود را نشان داد و در این راستا گفتمان اسلام‌گرای انقلابی به‌عنوان سرمایه نمادین که محصول روابطی در سطح قدرت بود به‌عنوان ابزاری برای حذف سایر گفتمان‌ها و مشروعیت بخشیدن به تسلط روحانیون در میدان قدرت نقش مهمی ایفا کرد.

### نتیجه‌گیری

حذف گفتمان ملی‌گرای مذهبی در میدان سیاست و قدرت ایران پس از انقلاب اسلامی را می‌توان با بهره گرفتن از چارچوب نظری عادت‌واره و میدان‌پی‌یر بوردیو توضیح داد. بر این اساس حذف گفتمان ملی‌گرای مذهبی و به‌طور کلی جریان روشنفکری دینی را باید بر اساس یک رویکرد تعاملی و دیالکتیکی، حاصل تعامل میدان سیاست و عادت‌واره کنش‌گران فعال در آن دانست. پس از انقلاب اسلامی ۵۷ مهم‌ترین کنش تقابلی میان دو گفتمان اصلی حاضر در انقلاب اسلامی یعنی گفتمان اسلام‌گرای انقلابی

۱. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی به روابط میان گروه‌های متجانس اشاره دارد این نوع سرمایه دارای زمینه‌های متنوع هستند ولی ارتباطات شخصی قوی می‌باشند. این سرمایه با برانگیختن احساسات افراد توانایی خاصی را برای بسیج افراد دارد. صورت‌بندی ساده از یک گروه می‌تواند منجر به احساس بدگمانی و احساس تنفر افراد گروه نسبت به افراد خارج از گروه باشد.



با محوریت روحانیت شیعه و گفتمان ملی‌گرای مذهبی با محوریت دولت موقت و جریان روشنفکری دینی به رهبری مهندس مهدی بازرگان حول ۴ موضوع اصلی در میدان سیاست شکل گرفت که عبارت بودند از مسئله ولایت فقیه، نسبت دین و سیاست، تقابل ملت‌گرایی و امت‌گرایی و نهایتاً اعتقاد به کنش تدریجی در مقابل اقدام انقلابی و رادیکال. برآیند این تقابل چیزی جز سیاست حذف و طرد نبود. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، ۳ عامل در غلبه سیاست طرد بر سیاست همکاری و تعامل در میدان سیاست نقش داشت. نخست، تفاوت کنش‌گران از نظر تجربیات شخصی و یا به عبارت دیگر زندگی روزمره‌ای که در آن زیست کرده بودند. دوم، عادت‌واره‌های متضاد میان کنش‌گران جریان ملی‌گرای مذهبی و اسلام‌گرایان انقلابی. سوم، ساختار میدان سیاست. میدان سیاست در ایران پس از انقلاب به‌گونه‌ای بود که حذف گفتمان رقیب روحانیت شیعه را تسهیل می‌کرد. فقدان ذهنیت سازش‌پذیر کنش‌گران در کنار توزیع نابرابر سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین)، امکان تعامل و همکاری میان جریان‌ها و گفتمان‌های رقیب را کاهش داده و موجب شده بود تا این تصور در میدان سیاست شکل بگیرد که می‌توان با یک جریان فکری خاص و یک گفتمان مسلط کشور را به سر منزل مقصود رساند.

## منابع

- استونز، راب (۱۳۸۸). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز.
- اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۹۴). *ایدئولوژی اصلاحات (اصلاحات به روایت حلقه آیین)*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- اسماعیلی، حمیدرضا، رحیم‌پورازغدی، طاهره و نوعی‌باغبان، سیدمرتضی (۱۴۰۱). بررسی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی شکل‌گیری «حکومت دینی» در اندیشه سیاسی امام خمینی. *فصلنامه سیاست متعالیه*. ۱۰ (۳۷)، ۱۴۲-۱۵۶.
- ایگلتون، تری (۱۳۸۰). *درآمدی بر ایدئولوژی*. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- بابایی، رسول (۱۳۹۰). امکان‌ات سیاسی در نظریه جامعه‌شناختی پیر بوردیو: تولید نظریه سیاسی. *فصلنامه سیاست*. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۴۱ (۳)، ۳۹-۵۶.
- بازرگان، مهدی (۱۳۸۹). *مجموعه آثار ۲۵*. تهران: نشر بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۳). *انقلاب ایران در دو حرکت*. تهران: نشر مؤلف
- بحرانی، محمدحسین (۱۳۸۹). *طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر (۸۰-۱۳۲۰)*. تهران: نشر آگاه
- بوردیو، پیر (۱۳۹۳). *نظریه کنش (دلایل عملی و انتخاب عقلانی)*. ترجمه مرتضی مردیبا. تهران: انتشارات نقش و نگار.



بونویتز، پاتریس (۱۳۹۱). درس‌هایی از جامعه‌شناسی پی‌بوردیو. ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفر، تهران: نشر آگه.

بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۹۷). الف لام خمینی. تهران: نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

پدرام، مسعود (۱۳۸۲). روشنفکری دینی و مدرنیته. چاپ اول. تهران: انتشارات گام نو

تاجبخش، کیان (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.

توسلی، غلامعباسی و موسوی، مرضیه (۱۳۸۴). «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۶، ۱-۳۲.

جمشیدی‌ها، غلامرضا، کلانتری، عبدالحسین و نصرتی، روح‌الله (۱۳۹۴). بازار به مثابه میدان: تحلیل بوردیویی بازار با تأکید بر بازار سنتی تهران. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، ۴۶، ۹-۳۴.

جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵). پی‌یر بوردیو، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

جورج، ریتزر (۱۳۷۷). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

خستو، رحیم (۱۳۸۹). ساخت‌یابی روشنفکری دینی؛ «مطالعه موردی مهندس بازرگان. نشریه علوم سیاسی (دانشگاه آزاد کرج)، ۱۰، ۴۳-۷۲.

خمینی، سیدروح‌الله موسوی (۱۳۷۸). مجموعه بیانات و اطلاعیه‌های امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

رضازاده، افشار (۱۳۹۶). بررسی ریشه‌های غرب‌ستیزی در اندیشه سیاسی جلال آل احمد با تکیه بر نظریه پی‌بوردیو. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج.

زکی، محمدعلی (۱۳۹۵). میراث فکری بوردیو در جامعه‌شناسی ایران. مجله نقد کتاب علوم اجتماعی، ۳(۱۰)، ۲۰۷-۲۳۶  
سعادت، موسی (۱۳۹۱). تحلیل بوردیویی نقش عوامل سرمایه‌ای در بروز رفتارهای پرخطر. جامعه‌شناسی و مدیریت سبک زندگی، ۶(۱۶)، ۱۵۱-۲۰۰.

شامپاین، پاتریک (۱۳۹۳). پی‌یر بوردیو. ترجمه ناهید موید حکمت، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

صالحی‌امیری، سیدرضا و سپهرنیا، رزیتا (۱۳۹۴). الگوی ارتقای سرمایه فرهنگی در ایران تهران: انتشارات ققنوس.

عمرانی، ابوالحسن و یعقوبی، رضا (۱۳۹۶). مطالعه رابطه بین سرمایه فرهنگی با ادراک منزلت اجتماعی دبیران مرد و زن دوره دوم متوسطه شهر بناب در سال ۱۳۹۵. نشریه زن و مطالعات خانواده، ۱۰(۳۷)، ۱۳۵-۱۶۲.

فالاچی، اورینا (۱۳۸۷). گفتگوهای اورینا فالاچی، ترجمه غلامرضا امامی، چاپ پنجم. تهران: نشر افق.

فتاحی، مرتضی (۱۳۹۰). بررسی تأثیر نقش جامعه‌شناسی تعامل‌گرایانه پی‌یر بوردیو در شکل‌گیری اندیشه توسعه سیاسی در ایران در دهه دوم بعد از انقلاب. پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۴). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی. تهران: نشر نی.



فیضی، فاضل و رحمانی، مریم (۱۳۹۱). دلایل سقوط دولت موقت مهندس بازرگان بر اساس نظریه کرین بریتون. نشریه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۰، ۳۷-۶۰.

فیلد، جان (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی، تهران: انتشارات کویر.

کلدی، علیرضا (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و خانواده. مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، مریم شریفیان‌ثانی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱-۲۰۴.

گرنفل، مایکل (۱۳۸۸). مفاهیم کلیدی پی‌یر بوردیو. ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: شرکت نشر نقد افکار.

لامعی، شعبانعلی (۱۳۷۶). حکایت‌هایی از زندگی مهندس بازرگان. تهران: انتشارات قلم.

مرتضویان، علی و فتاحی، سیدمرتضی (۱۳۹۰). پی‌یربوردیو و اندیشه «دموکراسی واقعی»: درآمدی بر مشارکت سیاسی در فضای تعامل کنش و ساختار». مطالعات روابط بین‌الملل (پژوهشنامه روابط بین‌الملل)، ۴(۱۴)، ۱۴۴-۱۸۴.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۲۹). اجتهاد و تقلید، ترجمه وهاب دانش‌پژوه. چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۵۲). البیع. جلد دوم، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

مولوی وردنجانی و عیسی، فیض‌افرا، داود (۱۳۹۸). بررسی اندیشه سکولاریستی نهضت آزادی در مواجهه با گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه مهندس بازرگان. نشریه سیاست متعالیه، ۲۶، ۲۲۸-۲۵۰.

موید حکمت، ناهید و هاشمی فشارکی، مریم‌السادات (۱۴۰۰). تحلیل گونه‌های مصرف رسانه‌ای اوقات فراغت در شهر تهران؛ با تأکید به نسبت آن با قشربندی اجتماعی. مجله رسانه و فرهنگ، ۲۱، ۲۷۳-۲۹۹.

نهضت آزادی ایران (۱۳۶۷). تفصیل و تحلیل ولایت مطلقه فقیه. بیانیه.

هزاوه‌ای، سیدمرتضی و میروسی‌نیک، صادق (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی روحانیت (روند قدرت‌یابی روحانیت شیعه از انزوا تا کسب قدرت). نشریه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۸، ۲۱۳-۲۳۶.

یزدانی‌نسب، محمد و کاشانی، سالار (۱۴۰۱). ذهنیت سازش‌ناپذیر: نگاهی به فرهنگ مصالحه سیاسی نخبگان در ایران معاصر. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۱۱)، ۵۸۱۸-۵۸۳۲.

Bourdieu, P., Passeron, J.C. (1990). *Reproduction in Education, Society, and Culture*, Sage Publications.

<https://uk.sagepub.com/en-gb/eur/reproduction-in-education-society-and-culture/book203162>

Friedman, Jeremy. (2018). The Enemy of My Enemy. The sovite unioin, east germany, and iranian tudeh party's support for ayatollah khomeini. *Journal of cold war studies*. Vol. 20, no. 2, spring 2018, pp. 3-37, doi: 10.1162/jcws\_a\_00815.

Kurzman, Charles. (2004). Can Understanding Undermine Explanation? The Confused Experience of Revolution. *Philosophy of the Social Sciences*, Vol. 34 No. 3, September 2004. 328-351.

[https://kurzman.unc.edu/wpcontent/uploads/sites/1410/2011/06/Kurzman\\_Can\\_Understanding\\_Undermine\\_Explanation.pdf](https://kurzman.unc.edu/wpcontent/uploads/sites/1410/2011/06/Kurzman_Can_Understanding_Undermine_Explanation.pdf)



Ostovar, Afshon. (2009). Guardians of the Islamic Revolution Ideology, Politics, and the Development of Military Power in Iran (1979-2009).

<https://deepblue.lib.umich.edu/handle/2027.42/64683>

Ramsey, Christopher. (2016). The Failure of Mehdi Bazargan, How the Revolutionary Council, the Clerical Oligarchy, and United States Foreign Policy Undermined the Liberal Democracy of Iran 1979. B.A. in History, May 2012, Western Kentucky University. [https://scholarspace.library.gwu.edu/concern/gw\\_etds/bc386j40t?locale=fr](https://scholarspace.library.gwu.edu/concern/gw_etds/bc386j40t?locale=fr)